

۱۴۷۴۸۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگانی چارده معصوم پیغمبر اسلام

آیت الله حسین مظاہری

باورقی : وی فاضل



نشر اسلامیت

سرشناسه: مظاهری، حسین، ۱۳۱۲ -
 عنوان و نام پدیدآور: زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام) /
 حسین مظاهری؛ پاورقی ولی فاطمی.
 مشخصات نشر: تهران: زیارت: پیام بهاران، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۷۲۷-۲-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه
 موضوع: *Biography -- Fourteen Innocents of Shiite
 شناسه افزوده: فاطمی، ولی، ۱۳۳۲ -
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ز ۹۳۶/۳۶ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۸۹۴۴۴

زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام)

مؤلف آیت الله حسین مظاهری
 پاورقی ها ولی فاطمی
 چاپ اول ۱۳۹۵
 چاپخانه امیدوار
 شمارگان ۱۰۰۰ جلد



انتشارات
زیارت

باهمکاری

پیام
بهاران



تهران. خیابان جمهوری اسلامی. مابین سعدی
 و ظهیر الاسلام. کوچه مظفری. بن بست اول. پلاک ۵
 کدپستی: ۱۱۴۶۸۱۳۵۱۳

تلفن: ۳۳۹۳۵۷۰۳ - ۳۳۹۰۴۹۹۵ - ۳۳۱۱۴۲۷۵
 موبایل: ۰۹۱۰ ۴۴۴ ۶۰۱۰ - ۰۹۳۹ ۱۲۲ ۴۸۱۰
 نمابر: ۳۳۹۹۸۷۵۲



TAKETAB.IR

فہرست

۵۶	سخاوت امیر المؤمنین (ع)	۷	مقدمہ
۵۷	عفو امیر المؤمنین (ع)		زندگی حضرت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ
۵۸	تواضع امیر المؤمنین (ع)	۲۴	الکتاب المیر
۵۸	تسلط امیر المؤمنین (ع)	۳۲	خاصیت
۶۳	زندگی امام حسن (ع)	۳۷	زندگی - موت فاطمہ (س)
۶۷	صلح امام حسن (ع)	۴۰	زہرا از نظر ایمان
۶۸	توضیح مطلب	۴۱	زہرا از نظر علم
۶۹	اطرافیان امام حسن (ع)	۴۱	زہرا از نظر زہد
۷۳	زندگی امام حسین (ع)	۴۱	عبادت زہرا
۸۳	زندگی امام سجاد (ع)	۴۳	سخاوت و ایثار زہرا
۸۴	ایمان امام سجاد (ع)	۴۷	زندگی حضرت علی (ع)
۸۴	علم امام سجاد (ع)	۴۸	علی کیست
۸۵	تقوای امام سجاد (ع)	۴۹	ایمان امیر المؤمنین (ع)
۸۵	عبادت امام سجاد (ع)	۵۰	علم امیر المؤمنین (ع)
	سخاوت، فتوت و رشتہ امام سجاد	۵۱	تقوای امیر المؤمنین (ع)
۸۶	(ع)	۵۳	عبادات امیر المؤمنین (ع)
۸۷	زہد امام سجاد (ع)	۵۴	سیاست امیر المؤمنین (ع)
۸۷	شجاعت امام سجاد (ع)	۵۴	شجاعت امیر المؤمنین (ع)
	سیاست، حلم و تواضع امام سجاد (ع)	۵۵	زہد امیر المؤمنین (ع)
۸۸		۵۶	عدالت امیر المؤمنین (ع)

۴ / زندگانی چہارده معصوم علیہ السلام

۱۲۷	زندگی امام رضا (ع)	۸۹	فصاحت و بلاغت امام سجّاد (ع)
۱۲۸	تواضع امام رضا (ع)	۸۹	جہاد امام سجّاد (ع)
۱۲۹	ادب و اخلاق امام رضا (ع)	۹۰	عفو و جوانمردی امام سجّاد (ع)
۱۲۹	سخاوت امام رضا (ع)	۹۰	آبہت و شخصیت امام سجّاد (ع)
۱۳۹	زندگی امام جواد (ع)	۹۲	زندگی امام سجّاد (ع)
۱۴۹	زندگی امام ہادی (ع)	۹۵	زندگی امام محمد باقر (ع)
۱۵۱	فضایل امام ہادی (ع)	۱۰۵	زندگی امام جعفر صادق (ع)
۱۵۳	روایاتی درباره امام ہادی (ع)	۱۰۸	فضایل امام صادق (ع)
۱۶۱	زندگی امام حسن عسکری (ع)	۱۰۸	ایمان امام صادق (ع)
۱۶۷	شہادت امام حسن عسکری	۱۱۰	علم امام صادق (ع)
۱۶۹	کلمات گہر بار حضرت عسکری (ع)	۱۱۱	صبر امام صادق (ع)
۱۶۹			حلم، عفو و سخاوت امام صادق (ع)
۱۷۱	زندگی امام مہدی (عج)	۱۱۱	
۱۷۱	ولادت امام مہدی		عبادت و خشیت امام صادق (ع)
۱۷۵	بولد باغ کبری	۱۱۲	
۱۸۲	طول عمر	۱۱۲	سعد صدر امام صادق (ع)
۱۸۴	کیفیت ظهور و حکومت کی آن	۱۱۷	زندگی امام موسی کاظم (ع)
۱۸۸	نحوہ حکومت امام زمان	۱۱۹	توضیح القاب آن حضرت
۱۸۹	انتظار فرج		علت شہادت موسی بن جعفر (ع)
۱۹۵	منابع	۱۲۴	

مقدمه

در این مقدسه سه نکته اساسی به طور خلاصه مطرح می شود:
۱- اثبات تساوی اهل بیت در فضیلت، و برهان نبوت و امامت.

برخی از این بحثها توسط صدا و سیما، جمهوری اسلامی بخش و منتشر شد. بعضی دوستان نویسنده خواستند آن بحثها به صورت نوشته ای منتشر شود، اما برای نویسنده فراغت حاصل نمی شد تا خواست آنان جامه عمل بپوشد. تا آنکه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۰۲ فرصتی برای نویسنده فراهم کرد. از این جهت به آنچه بخش شد، بود بحثهایی اضافه شد و به این صورت که می بینید درآمد. امید است که مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام و خوانندگان محترم قرار گیرد.

مطلبی که باید تذکر داده شود این است: این نوشته، نقص بلکه نقصها دارد: نقص ادبی و فنی، نقص اجمال گویی و شادی تخصصی، نقص کوتاه بودن بحثها و غیره.

معلوم است نوشته ای که در مدت کمتر از بیست روز، آنجا در ماه مبارک رمضان به رشته تحریر درآید، نوشته ای که در انقلاب رخ شود؛ انقلابی که کارهای بزرگ انجام داده است؛ انقلابی که ابرقدرتها علیه آن قیام نموده و فکر همه را به خود مشغول کرده است؛ انقلابی که باید به فکر آن و ادامه آن، به فکر نسل حاضر و نسل آینده آن بود، و خلاصه کلام: انقلاب اسلامی که با مسایل گوناگونی دست به گریبان است، آنچنان فراغ بالی برای

ما باقی نمی‌گذارد که کارهایی از این قبیل را با فرصت کافی به انجام برسانیم؛ لکن «مَا لَا يَذَرُكَ ثَلَاثَةٌ إِلَّا يَتَوَكَّلُ اللَّهُ».

آنچه مسلم است و از روایات می‌توان بهره گرفت، این است که اهل بیت علیهم السلام از نظر فضایل و کمالات تفاوتی ندارند و همه آنها نور واحدی بوده‌اند که منشعب به انوار مختلفی شده‌اند: «كُلُّهُمْ نَوْرٌ وَاحِدٌ». اهل بیت از نظر ایمان، تقوا، شجاعت، حلم، سخاوت، علم و دیگر فضایل یکسانند: «أَوَّلُنَا أَحَقُّهُ، أَوْسَطُنَا مُحَقَّقُهُ، أَوْسَطُنَا مُحَقَّقُهُ، آخِرُنَا مُحَقَّقُهُ». آنچه در این نوشته می‌خواهید، فضایل و کمالات همه اهل بیت است. فقط اقتضای زمان یا اقتضای حالات پدید شده که بعضی از آنها جلوه گاه برخی از کمالات باشند. فی‌البدل: چون امیرالمؤمنین (ع) در خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و در زمانی آن حضرت بیش از هفتاد جنگ رخ داد که اغلب آنها را امیرالمؤمنین علیه السلام اداره می‌کرد، آن بزرگوار جلوه گاه شجاعت اهل بیت شد. انقلاب - این ابی‌عبدالله به حسب اقتضایی که پیدا شد، او را مظهر فداکاری، از خود گذشتگی، عشق به خدا و جانبازی در راه خدا کرد. در حقیقت باید گفت که آن مظهر فداکاری اهل بیت بود. امام باقر و امام صادق در اواخر عمر دولت بنی‌امیه، اوایل ظهور دولت بنی‌عباس که هنوز استقرار نیافته بودند، زندگی می‌کردند. با توانستند مظهر علم اهل بیت باشند، و به همین ترتیب سایر امامان علیهم السلام.

بنابراین اگر فضیلتی در این نوشته برای برخی از اهل بیت آورده شده، به این معنی نیست که دیگران فضیلت مزبور را نداشته‌اند؛ بلکه به این معنی است که او مظهر فضیلتی است که در همه امامان سلام الله علیهم وجود دارد.

۳- قرآن شریف معجزه زنده رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. قرآن

شریف از جهات متعددی معجزه است:

الف - کتابی است علمی و این کتاب علمی را کسی آورده است که سواد

خواندن القبا هم نداشته است. با آنکه قرآن خود را با اوصافی از قبیل کتاب هدایت، کتاب تهذیب، و از این قبیل تعبیرات معرفی می‌کند، اما خزینۀ همه فضایل و علوم است. قرآن کتاب فلسفه نیست، ولی براهین فلسفی در آن موجود است. چه بسیار آیاتی که دارای چندین برهان فلسفی است. قرآن کتاب فقه نیست، اما دارای قوانین عبادی، اجتماعی، سیاسی، معاملاتی، کفّری، جزایی و غیره است؛ به گونه‌ای که اگر همه دنیا هم بخوانند آن فایده را بیاورند، عاجز خواهند بود. قرآن کتاب ستاره‌شناسی نیست، ولی نکاتی در ستاره‌شناسی دارد که همه دانشمندان را به خود جذب کرده است. قرآن کتاب فصاحت و بلاغت نیست، اما در فصاحت و بلاغت، همه فصحا و بلغاء را مبهرت کرده است؛ چنانکه ولید بن مغیره که از فصّحای عرب بود، درباره قرآن چنین گفته است:

إِنَّ لَهُ تَحْلُوَةً وَإِنْ تَنْظُرَ وَإِنْ أَخْلَاةَ لَمُتْمِرٍ وَإِنْ أَسْفَلَهُ لَمُعْدِقٍ وَأَنَّهُ يَغْلُو وَلَا يَغْلَى عَلَيْهِ^۱

«این قرآن را شیرینی و طراوات خاصی است. شاخه‌های آن ثمر بخش و ریشه‌های آن استوار، کلامی است برتر از همه کلامها و هیچ سخنی عالی‌تر از آن نخواهد بود.»

قرآن کتاب علوم طبیعی نیست، ولی بیش از هزار آیه از آن دارای مسائلی در علوم طبیعی است. بنابراین قرآن معجزه است؛ زیرا کتابی است علمی، کتابی است که دانشهای مختلف در آن وجود دارد و آوردن آن کسی است که سواد القبا هم نداشته است.

ب - قرآن کریم در ظرف بیست و سه سال در شرایط مختلف به رسول اکرم (ص) نازل شد. در حال عادی، در حال غیر عادی، در صلح، در جنگ، در ضعف، در قدرت و در حالات مختلف؛ ولی آنچه مهم است،

یکپارچگی و انسجام و سنجیدگی آیات در سراسر قرآن است. آیاتی که در مکه با آن مصیبت‌های کمرشکن نازل شده، با آیاتی که در مدینه در موضع قدرت و شوکت نازل شده، یکسان است. خلاصه سخن آنکه هماهنگی کاملی که بر قرآن حکفرما است، خود یک معجزه بزرگ است.

ج - گفتیم که قرآن شریف در ظرف بیست و سه سال به فردی اُمّی و بی‌سواد نازل شد؛ ولی چیزی که همه را به خود جذب کرد، هماهنگی آن بود. در قرآن شریف اختلاف نیست، برگشت از کلام نیست؛ بلکه به عقیده ما آنگاه که سخن هم که برخی معتقدند، در قرآن نیست. اگر قرآن کریم از طرف تعالی نازل نشده بود، چطور ممکن بود که در آن اختلافی پیدا نشود؟ قرآن، خود به این معجزه بزرگ اشاره می‌کند:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^۱

«آیا تدبّر در قرآن را بر کسی که از غیر خداوند بود، در آن اختلاف بسیار می‌یافتند؟»

این بحث دامنه‌دار است و ما برای دوری از إطالة کلام، آن را در همین جا خاتمه می‌دهیم.

باری، سخن قرآن از جهات گوناگون معجزه است. پروردگار، مخالفان را به مبارزه در آن دعوت می‌کند. قرآن می‌فرماید: «وَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى»^۲ گر آدمیان و جنیان جمع گردند و همه پشت به پشت یکدیگر کنند، نمی‌توانند ده سوره مانند این قرآن، بلکه یک سوره مثل آن بیاورند.

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُوا بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا^۳

قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مَفْتُورَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ^۴

«بگو ده سوره مثل قرآن بیاورید دروغ پرداخته و برای همفکری همه را دعوت کنید.»

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ^۱

«اگر شک دارید در اینکه قرآن از طرف خداست، یک سوره مثل آن بیاورید و همه انبازان و شاهدان خود را دعوت کنید، اگر راست می‌گویید. اگر این کار را نکنید که هرگز نخواهید کرد، پس بپرهیزید از آتشی که سوخت آن مردان و سنگ است، که برای کافران مهیا شده است.»

قرآن از حرف فصاحت و بلاغت، از آن نظر که کتابی است علمی، از آن نظر که این کتاب، آنکه نفی سواد آورده است، از آن نظر که اختلافی در آن نیست، و از این سرکه معامه‌گی و یکپارچگی در سرتاسر آن حفظ شده است، به مبارزه دعوت می‌کند. این بارزه دیروز بوده است و امروز نیز هست.

این کتاب آسمانی، پیامبر ﷺ را مبین خیر و شر می‌کند:

وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ يُبَيِّنُ لِلنَّاسِ مَا نَزَّلَ إِلَيْهِمْ^۲

«فرستادیم قرآن را برای تو تا بیان کنی برای مردم آنچه را که برای آنان فرستاده شده است.»

لذا وقتی ابی بصیر از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: که ای امیر المؤمنین و اهل بیت در قرآن نیست؟ حضرت می‌فرماید: در قرآن کلیات آمده است و خداوند، بیان آن کلیات را به عهده رسول الله نهاده است.^۳ در قرآن درباره نماز، روزه، حج، زکوة و دیگر مسایل کلی سخن

۲- نحل، بخشی از آیه ۴۴

۱- بقره، آیات ۲۳ و ۲۴

۳- اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۶-۲۸۷

گفته شده است؛ اما در اینکه نماز چند رکعت و چگونه است، چیزی نگفته است. قرآن در مورد زکوة سخن گفته است؛ اما اینکه از چه چیز تا چه مقدار باید گرفت و به چه کسی باید داد، در قرآن کلامی نیست. بیانگر این کلیات، شخص رسول الله صلی الله علیه و آله است. اسم امیرالمؤمنین (ع) نیز چنین آمده است. آنچه در قرآن آمده، متابعت از اولی الامر است؛ ولی بیان اولی الامر را اینکه آنان چه کسانی هستند و چند نفرند، به عهده رسول الله است.

روایات بسیار زیادی از سنی و شیعه موجود است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اوصیای خود را تعیین نموده است. ما از باب نمونه چند روایت از آن روایات را ذکر می‌کنیم:

روایاتی که از سنی و شیعه در این باره آمده مختلف است. یک دسته از آن روایات به طور پوشیده می‌گویند که: خلفای بعد از من دوازده نفرند که همه آنان از بنی هاشم هستند.

الْأَثَمَةُ بْنُ بَغْدَى! ثَنِي عَشْرَ حَلِيفَةً لِّمَنْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ!

احمد حنبل که یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، در مُسْنَد خود این روایت را با چهل و سه سند نقل می‌کند.

دسته دوم از روایات، آشکارتر بیان شده‌اند و می‌گویند، نظیر اینکه می‌فرماید: «اوصیای بعد از من دوازده نفرند. اول آنها علی است، بعد حسن، بعد حسین و بعد ۹ نفر از فرزندان حسین که نهی از انباشتن به حق است که می‌آید و دنیا را مملو از عدالت می‌کند.»

دسته سوم از روایات که زیاد است، به صراحت و تفصیل، خلفای رسول اکرم را بیان می‌کند و ما چهار روایت از آن روایات را در اینجا ذکر می‌کنیم:

۱ - قَدِيمُ يَهُودِيٍّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ... وَقَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ وَصِيكَ مَنْ هُوَ؟ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ

الْأَوَّلَ وَصِيٍّ. فَقَالَ إِنَّ وَصِيَّيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَبَعْدَهُ سَيِّدَتَايَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ تَتْلُوهُ
تِسْعَةَ أَلْفَةٍ مِنْ صُلُبِ الْحُسَيْنِ. قَالَ: فَسَمَّيْتُهُمْ لِي. قَالَ: إِذَا مَضَى الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ عَلِيُّ، فَإِذَا
مَضَى عَلِيُّ فَإِنَّهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَإِنَّهُ جَعْفَرٌ، فَإِذَا مَضَى جَعْفَرٌ فَإِنَّهُ مُوسَى، فَإِذَا
مَضَى مُوسَى فَإِنَّهُ عَلِيُّ، فَإِذَا مَضَى عَلِيُّ فَإِنَّهُ مُحَمَّدٌ، فَإِذَا مَضَى مُحَمَّدٌ فَإِنَّهُ عَلِيُّ، فَإِذَا
مَضَى عَلِيُّ فَإِنَّهُ الْحَسَنُ، فَإِذَا مَضَى الْحَسَنُ فَإِنَّهُ الْحُجَّةُ مُحَمَّدُ الْمَهْدِيُّ. فَهَؤُلَاءِ
إِثْنَا عَشَرَ^۱

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
گفت: هر پیامبر وصی و جانشینی دارد. حضرت فرمودند: وصی من علی
بن ابی طالب - بعد از او - و فرزندش حسن و بعد از آن حسین و نه نفر از
فرزندان حسین خواهند بود. یهودی گفت: برای من آنان را اسم ببرید.
حضرت فرمودند: وراثت حسین از دنیا رفت، فرزندش علی، پس از علی
فرزندش محمد، پس از او فرزندش - جعفر، پس از او فرزندش موسی، پس
از او فرزندش علی، پس از او فرزندش - محمد، پس از او فرزندش موسی،
پس از او فرزندش علی، پس از او فرزندش محمد، پس از او فرزندش
علی، پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش - حجت؛ محمد مهدی.
اینها دوازده نفرند.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - لَمَّا عُرِجَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ مَكْتُوبًا فِي السَّمَاءِ بِالْقُرْشِ بِالنُّورِ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ أَيَّدَتْهُ بَطْنِي وَنَصَرَتْهُ بَطْنِي ثُمَّ بَعْدَهُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ
وَرَأَيْتُ عَلِيًّا عَلِيًّا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَرَأَيْتُ مُحَمَّدًا مُحَمَّدًا مَرَّتَيْنِ وَجَعَلَ رُؤُوسُهُمْ
وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ إِنِّي عَشَرُ إِسْمَا مَكْتُوبًا بِالنُّورِ.^۲

«رسول گرامی فرموده است که: چون به معراج رفتم، بر ساق عرش به
نور نوشته دیدم: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، تأیید کردم او را و یاری دادم او

۱- اثبات الهداة تألیف حُرّ عاملی ره ج ۲ ص ۵۰۷

۲- اثبات الهداة ج ۲ ص ۵۲۸

را به علی و پس از آن حسن و حسین و دیدم سه علی و دو محمد و دیدم جعفر، موسی، حسن و حجت را دوازده اسمی که با نور به عرش نوشته شده بود.

۳- عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ لَمَّا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا رَسُولَهُ فَقَمَنْ أُولِي الْأَمْرِ؟ قَالَ: مَنْ اللَّهُ طَاعَتُهُمْ بِطَاعَتِكَ. فَقَالَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ: هُمْ خُلَفَاؤِي مِنْ بَعْدِي يَا جَابِرُ رِبْعَةُ الْهُدَى مِنْ بَعْدِي، أَوْثَمُهُمْ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مَعْنَانُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوَارِثِ بِالْبَاقِرِ وَتَنْذِيرُهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيتَهُ فَأَقْرَأْهُ بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ مُحَمَّدٌ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَكُنِيَ حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبَقِيَّتُهُ فِي خَلْقِهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ذَلِكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا.

«جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: چون آیه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم نازل شد، به رسول که گفتم: خدا و رسول او را شناخته‌ایم؛ اما اولی الامر که اطاعت آن منتهی به اطاعت خدا و رسول شده چه کسانی هستند؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آن خلفای بعد از من هستند. اول آنان علی بن ابی طالب، پس از او حسن، پس از او حسین، پس از او علی بن الحسین، پس از او محمد بن علی که در تورات به باقر معروف است و تو او را می‌بینی، سلام مرا به او برسان - که جابر حضرت را ملاقات نمود و سلام پیامبر را به او رسانید - سپس جعفر بن محمد، پس از آن موسی بن جعفر، پس از او علی بن موسی، پس از او محمد بن علی، پس از او علی بن محمد، پس از او حسن بن علی، پس از او همام و هم کنیه من حجت خدا در زمین بقیة الله در میان مردم محمد بن الحسن بن علی. او

کسی است که خداوند به دستش پرچم توحید را در کره زمین افراشته می‌دارد و مشرق و مغرب زمین را برای او می‌گشاید.

۳- عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيْتِ أُمِّ سَلَمَةَ وَقَدْ تَوَلَّتْ عَلَيْهِ مِنَ الْآيَةِ: إِنَّمَا يُؤَيِّدُ اللَّهَ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ يَا عَلِيُّ مِنَ الْآيَةِ فِيكَ وَفِي سِبْطِي وَالْأَيْمَةُ مِنْ وَلَدِكَ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَكَيْمُ الْأَيْمَةِ بَعْدَكَ؟ قَالَ: أَنْتَ يَا عَلِيُّ ثُمَّ الْحَسَنُ وَبَعْدَ الْحَسَنِ عَلِيٌّ ابْنُكَ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ ابْنُكَ وَبَعْدَ جَعْفَرٍ مُوسَى ابْنُكَ وَبَعْدَ مُوسَى عَلِيُّ ابْنُكَ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٌ ابْنُكَ وَبَعْدَ مُحَمَّدٍ عَلِيُّ ابْنُكَ وَبَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ابْنُكَ وَالْحُجَّةُ مِنْ زَيْدِ الْحَسَنِ هَكَذَا أَسْمَاؤُهُمْ مَكْتُوبَةٌ عَلَى سَائِي الْعَرْشِ فَسَلِّتْ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ الْأَيْمَةُ بَعْدَكَ مُطَهَّرُونَ مَغْضُومُونَ وَأَعْدَاؤُهُمْ مُلْعَوُونَ.^۱

«امیرالمؤمنین فرموده است: من به آنکه ام سلمه بر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله وارد شد و آیه «إِنَّمَا يُؤَيِّدُ اللَّهَ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» نازل شده بود. پیامبر فرمود: ای علی! این آیه در باره تو و حسن و حسین و ائمه از نسل تو نازل شده است. گفتم: ائمه بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: تو حسن و حسین و پس از حسین علی و پس از علی فرزندی او محمد و پس از محمد فرزندی او جعفر و پس از جعفر فرزندی او موسی و پس از موسی فرزندی او علی و پس از علی فرزندی او محمد و پس از محمد فرزندی او علی و پس از علی فرزندی او حسن و سپس حجت، بعد از آن حسن. این چنین اسماء آنان در عرش نوشته شده بود و من از خداوند متعال پرسیدم که ایشان چه کسانی هستند؟ خطاب شد: اینان ائمه بعد از تو هستند. آنان مُطَهَّر و معصوم هستند و دشمنان آنها دور از رحمت خداوند.»

کوتاه سخن آنکه قرآن، کتاب آسمانی و معجزه زنده رسول اکرم است

و نبوت آن بزرگوار با این کتاب ثابت می‌شود. اوصیای آن بزرگوار به عنوان **أُولِي الْأَمْرِ** در قرآن، **وَاجِبُ الْإِطَاعَةِ** معرفی شده‌اند و شخص رسول اکرم که **مُيَيَّنِ** قرآن شریف است، **مِصْدَاقُ أُولِي الْأَمْرِ** را تعیین نموده است. روایات بسیار زیادی در دست است که رسول گرامی آنان را در دوازده نفر منحصر نموده است، و در روایات زیادی از **سُنِّي** و شیعه نامه‌های آنان را ذکر کرده است.

این است دلیل ما بر نبوت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامت دوازده امام که **أُولِی الْأَمْرِ** و امیر مؤمنین علیهم السلام است. و با نصب او در غدیر خم به اتفاق **سُنِّي** و شیعه، **دِینِ اسلام** کامل شد، و آیه **أَلَيُّكُمْ أَلْأَمْرُ** که وصف او در بیشتر از سیصد روایت از **سُنِّي** و شیعه آمده است: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّكَ إِنْ مَضَى فَسْتَطَاعَ أَنْ يُدْعَىٰ بَعْدَكَ فَأَمْلَيْتَ لَهُمْ وَاجْتَرَا^۱**

در خاتمه باید متذکر شریم که اگر بیل بر نبوت پیامبر (ص) معجزه زنده او قرآن باشد. که چنین است. می‌توان بدون سقوط در اصطلاحات کلامی و فلسفی، وجود صانع و **وَخْدَانِيَّت** و **وَسَفَاءِ كَمَالِي**، او را اثبات نمود: **لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ^۲**

زیرا خود قرآن دلیل بر این است که حکیم، مکیب و عالم و قادر، بلکه **وَاجِبُ الوجودی** بر این جهان هستی حاکم است به نام **اللَّهِ** که **مُشْتَجِع** جمیع صفات کمال است.

همچنین در قرآن، معاد جسمانی نیز به وضوح اثبات می‌شود؛ زیرا قرآن، آن معجزه زنده، بعد از تهذیب نفس بیش از هر چیز به معاد اهمیت داده است. قرآن می‌فرماید: برای این جهان، جهان دیگری که به منزله باطن عالم هستی است، موجود است و آن جهان، جهان جسمانی است و

۱- «بوسیله او خدای تعالی زمین را پر از عدل و داد می‌کند، بعد از آنکه پر از ستم و بیداد شده باشد». به این مضمون احادیث زیادی از فریقین در کتاب منتخب الاثر گردآوری شده است.

۲- طه، آیه ۸

پروردگار عالم، بشر را با همین هویت و حقیقتی که دارد، بلکه با همان سرانگشتانی که داشته به آن جهان باز می‌گرداند:

لَا أَفْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَلَا أَفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ. أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظْلَانَهُ
بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسْوِيَّ بَنَانَهُ.^۱

«قسم به روز قیامت و قسم به نفسِ لَوَّامِه، گمان می‌کند انسان که استخوان‌های او را جمع نخواهیم کرد؛ بلی ما قدرت داریم که سرانگشتان او را نیز بسازیم» او را به همان هویت و حقیقتی که داشته به آن جهان بازگردانیم.

بنابراین، این معجزه جاودانی، انه فقط نبوت و امامت را اثبات می‌کند؛ بلکه همه اصول دین را به نبوت می‌رساند.